



Reflection of Human Rights Considerations and Public Interests in Investment Treaties from the Perspective of Public Law: A Comparative Study with a Focus on Iran's Bilateral Investment Treaties

Mohammad Adami Abarghouie ¹, Amirmahdi Dehghan Anari ²

1. °Ph.D. in International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), Email: mohamadadami@yahoo.com

2. °Master's student in International Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, Email: dehghan.anari78@gmail.com

Abstract

In recent decades, international investment treaties have faced significant criticism for imposing restrictions on governmental regulatory rights and the implementation of public policies, particularly within the framework of public law related to human rights and public interests. The primary issue of this research, from the perspective of public law, is to examine the extent to which human rights considerations and public interests are reflected in investment treaties, especially Iran's bilateral investment treaties, and to achieve a balance between the public obligations of states in safeguarding public interests and human rights on one hand, and the protection of foreign investors' rights on the other. This article, utilizing a descriptive-analytical method and a comparative approach within the framework of public law, examines and analyzes the provisions of Iran's investment treaties and compares them with modern international treaties such as CETA, CEPA, and European and American models. The research findings indicate that Iran's investment treaties, compared to the new generation of treaties, pay less attention to public law principles such as governmental regulatory rights, compliance with human rights, and sustainable development goals, which could limit the public sovereignty of the state in the face of foreign investment requirements. Furthermore, this article examines the status of Iran's investment treaties and their challenges in protecting human rights and public interests from a public law viewpoint. It also analyzes how experiences from modern international treaties can be utilized to improve Iran's investment treaties and establish a balance between investors' rights and the human rights and public obligations of states.

Keywords: Human Rights, Investment Treaties, Regulatory Rights, Iran Treaties, Public Interests.

Received: 01/01/2025; **Revised:** 15/02/2025; **Accepted:** 04/03/2025; **Published online:** 30/03/2025

How To Cite: Adami Abarghouie, M A & Dehghan Anari, Am (2025). Reflection of Human Rights Considerations and Public Interests in Investment Treaties from the Perspective of Public Law: A Comparative Study with a Focus on Iran's Bilateral Investment Treaties, *Journal of Comparative Public Law*, 2 (1).1-23. <http://www.doi.org/10.22091/cpl.2025.12027.1042>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





بازتاب ملاحظات حقوق بشر و منافع عمومی در معاهدات سرمایه‌گذاری از منظر حقوق عمومی: مطالعه تطبیقی با تمرکز بر معاهدات دوجانبه ایران

محمد آدمی ابرقویی^۱، امیرمهدی دهقان اناری^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر حوزه حقوق بشر، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: mohamadadami@yahoo.com

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، رایانامه: dehghan.anari78@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی به دلیل ایجاد محدودیت‌هایی بر حق تنظیم‌گری دولتی و اجرای سیاست‌های عمومی، به‌ویژه در چارچوب حقوق عمومی مرتبط با حقوق بشر و منافع عمومی، با انتقاداتی جدی مواجه شده‌اند. مسئله اصلی این پژوهش از منظر حقوق عمومی، بررسی میزان انعکاس ملاحظات حقوق بشری و منافع عمومی در معاهدات سرمایه‌گذاری، به‌ویژه معاهدات دوجانبه ایران و دستیابی به تعادل میان تعهدات عمومی دولت‌ها در حفظ منافع عمومی و حقوق بشر از یک سو و حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی از سوی دیگر است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی در چارچوب حقوق عمومی، به بررسی و تحلیل مفاد معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و مقایسه آن‌ها با معاهدات نوین بین‌المللی نظیر (CETA، CEPA) و مدل‌های اروپایی و آمریکایی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معاهدات سرمایه‌گذاری ایران، در مقایسه با معاهدات نسل جدید، کمتر به اصول حقوق عمومی نظیر حق تنظیم‌گری دولتی، رعایت حقوق بشر و اهداف توسعه پایدار توجه کرده‌اند که این امر می‌تواند حاکمیت عمومی دولت را در برابر الزامات سرمایه‌گذاری خارجی محدود سازد. در ادامه، این مقاله به بررسی وضعیت معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و چالش‌های آن‌ها در زمینه حفاظت از حقوق بشر و منافع عمومی از دیدگاه حقوق عمومی می‌پردازد. همچنین تحلیل می‌شود که چگونه می‌توان از تجربیات معاهدات نوین بین‌المللی برای بهبود معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و ایجاد تعادل میان حقوق سرمایه‌گذاران و تعهدات حقوق بشری و عمومی دولت‌ها بهره برد. واژگان کلیدی: حقوق بشر، معاهدات سرمایه‌گذاری، حق تنظیم‌گری، معاهدات ایران، منافع عمومی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴؛ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

استناد: آدمی ابرقویی، محمد و دهقان اناری، امیرمهدی (۱۴۰۴). بازتاب ملاحظات حقوق بشر و منافع عمومی در معاهدات سرمایه‌گذاری از منظر حقوق عمومی: مطالعه تطبیقی با تمرکز بر معاهدات دوجانبه ایران، *حقوق عمومی تطبیقی*، (۱۱۲)، ۲۳-۱. <http://www.doi.org/10.22091/cpl.2025.12027.1042>



مقدمه

در دنیای معاصر، سرمایه‌گذاری خارجی یکی از ارکان کلیدی توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه عمومی در کشورهای مختلف به شمار می‌رود. معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی که در قالب معاهدات دوجانبه و چندجانبه منعقد می‌شوند، با هدف جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و تضمین حمایت قانونی از سرمایه‌های آن‌ها تنظیم شده‌اند. در این معاهدات، اصولی مانند رفتار منصفانه و عادلانه،^۱ عدم تبعیض^۲ و تضمین امنیت و حفاظت کامل^۳ از سرمایه‌گذاری‌ها به منظور ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاران گنجانده شده است. باین حال، این معاهدات در دهه‌های اخیر به دلیل آنکه تمرکز زیادی بر حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی دارند و کمتر به ملاحظات حقوق بشری و حق حاکمیت دولت‌ها در تنظیم‌گری پرداخته‌اند، با انتقادات جدی مواجه شده‌اند (Simma, 2011: 576).

یکی از چالش‌های اساسی که در این حوزه مطرح است، نحوه ایجاد توازن میان حقوق سرمایه‌گذاران و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها است. بسیاری از معاهدات سنتی سرمایه‌گذاری، توجه کافی به موضوعات حقوق بشری نداشته و حتی گاه در تضاد با اصول حقوق بشر قرار گرفته‌اند. در نتیجه، در موارد متعددی دیده شده که کشورهای میزبان به دلیل الزام به رعایت مفاد معاهدات سرمایه‌گذاری، از اجرای سیاست‌هایی که برای حمایت از حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست ضروری هستند، خودداری کرده‌اند. به این پدیده اصطلاحاً «خنثی‌سازی تنظیم‌گری»^۴ گفته می‌شود که طی آن دولت‌ها به دلیل نگرانی از دعوی احتمالی سرمایه‌گذاران در دادگاه‌های داوری بین‌المللی، از اجرای سیاست‌های حقوق بشری منصرف می‌شوند (Kube & Petersmann, 2018: 66-68). در سال‌های اخیر، تحولاتی در تدوین معاهدات سرمایه‌گذاری نوین به وجود آمده است که در آن‌ها سعی شده تا توازن میان حقوق سرمایه‌گذاران و منافع عمومی، به‌ویژه حقوق بشر برقرار شود. معاهداتی همچون معاهده جامع اقتصادی و تجاری میان کانادا و اتحادیه اروپا^۵ و همچنین مدل‌های جدید سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا، به صراحت به حق دولت‌ها برای تنظیم‌گری به منظور

1. Fair and equitable treatment (FET).

2. Non-discrimination

3. Full protection and security

4. Regulatory Chill

5. Canada-European Union Comprehensive Economic and Trade Agreement (CETA).

حفظ منافع عمومی در حوزه‌های مختلفی همچون بهداشت عمومی و محیط‌زیست اشاره کرده‌اند. این تحولات در معاهدات نسل جدید نشان از تغییر رویکردی دارد که در آن ملاحظات حقوق بشری به‌عنوان یک اصل بنیادین در کنار حقوق سرمایه‌گذاران در نظر گرفته می‌شود (Falahi, 2021: 29-30).

در این میان وضعیت معاهدات سرمایه‌گذاری ایران نیز قابل‌تأمل است. ایران به‌عنوان یک کشور درحال‌توسعه و نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی، از سال‌های گذشته معاهدات متعددی را با کشورهای دیگر منعقد کرده است. بااین‌حال، بسیاری از این معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری فاقد مفاد و مقررات کافی برای حفظ حقوق بشر و تضمین حق تنظیم‌گری دولت هستند. درنتیجه، این معاهدات می‌توانند با سیاست‌های حقوق بشری و الزامات بین‌المللی ایران در تعارض قرار گیرند و دولت را در اجرای این سیاست‌ها محدود کنند. ازاین‌رو، ضروری است که معاهدات سرمایه‌گذاری ایران بازنگری و بهبود یابند تا توازن بیشتری میان حمایت از سرمایه‌گذاران و رعایت حقوق بشر برقرار شود.

این مقاله با هدف بررسی بازتاب ملاحظات حقوق بشری در معاهدات سرمایه‌گذاری، به‌ویژه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران، تدوین شده است. در بخش‌های مختلف مقاله، ضمن مروری بر رویکردهای نوین در معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و تحلیل محتوای آن‌ها در ارتباط با حقوق بشر و منافع عمومی وضعیت معاهدات ایران و خلأهای موجود در این زمینه مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران، در مقایسه با اسناد نوین جهانی، کمتر به اصولی نظیر حق تنظیم‌گری و رعایت استانداردهای حقوق بشری و تأمین منافع عمومی توجه داشته‌اند. درنتیجه، این معاهدات در برابر چالش‌های مربوط به تعهدات حقوق بشری دولت‌ها آسیب‌پذیر هستند. در پایان، پیشنهادهایی کاربردی برای اصلاح یا بازنگری این معاهدات ارائه شده که می‌تواند به سیاست‌گذاران در جهت تقویت جنبه‌های حقوق بشری و افزایش تعادل میان حقوق سرمایه‌گذاران و الزامات عمومی دولت‌ها در معاهدات آینده کمک کند.

۱. سیر تحول معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و جایگاه منافع عمومی

حقوق بشر^۱ به مجموعه‌ای از حقوق بنیادین اطلاق می‌شود که به‌طور ذاتی و به صرف انسان بودن به هر فرد تعلق می‌گیرد. این حقوق شامل آزادی‌ها و امتیازاتی است که در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸^۲ و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶^۳ تصریح شده‌اند، این حقوق جهان‌شمول، غیرقابل تفکیک و غیرقابل سلب بوده و بر حفظ کرامت انسانی تأکید دارند. حقوق بشر در نظام حقوقی ایران، به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق بنیادین مبتنی بر کرامت انسانی و جهان‌شمولی شناخته می‌شود که در قوانین موضوعه کشور، مانند قانون اساسی، مورد تأکید قرار گرفته است (صادقی، ۱۳۹۳: ۹). این حقوق که شامل آزادی‌های اساسی و حمایت از حقوق عامه است، در مواردی با قوانین داخلی تعارض دارد و نیازمند تفسیر جدید برای تطبیق با اصول اسلامی و منافع عمومی است تا از نقض کرامت انسانی جلوگیری شود (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۱). همچنین، احیای این حقوق در چارچوب حقوق عمومی ایران با چالش‌هایی مانند ابهام مفهومی و نارسایی قوانین مواجه است که راهکارهایی مانند تقویت نظارت قضایی و تفکیک وظایف قوا برای تحقق مطلوب آن پیشنهاد می‌شود (افشاری و پتفت، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

در تعریفی دیگر حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. به عبارتی یک سلسله هنجارها، اصول و حقوقی وجود دارد که جنبه جهان‌شمول دارد و برای تمام افراد انسانی در جوامع مختلف قابل اعمال است چراکه همه افراد به جهت انسان بودن دارای حقوقی هستند که هیچ جامعه یا دولتی نمی‌تواند آن‌ها را انکار کند. به همین دلیل در تعریف حقوق بشر گفته‌اند: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است» (فلسفی، ۱۳۷۴: ۹۵).

منافعی که به هر عضوی از افراد جامعه سود می‌رساند و بر اندیشه منافع مشترک و همگانی مبتنی است، منافع عمومی نام دارد (عالم، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر، منافع عمومی به مجموعه اهداف و سیاست‌هایی

1. Human Rights

2. Universal Declaration of Human Rights (1948).

3. International Covenant on Civil and Political Rights (1966); International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966).

اشاره دارد که دولت‌ها برای تأمین رفاه عمومی، حفظ امنیت، بهداشت و حفاظت از محیط‌زیست دنبال می‌کنند. همچنین می‌توان منافع عمومی را در رابطه با اعضای یک جامعه به‌مثابه یک کل و یا دست‌کم بخش عمده‌ای از آن در مقابل منافع فردی، گروهی یا منطقه‌ای قلمداد کرد (دیرینا و مؤمن، ۱۴۰۳: ۳۲). در زمینه معاهدات سرمایه‌گذاری، منافع عمومی به‌عنوان مبنایی برای توجیه حق تنظیم‌گری دولت‌ها در مواجهه با تعهدات قراردادی با سرمایه‌گذاران خارجی مطرح می‌شود. این مفهوم در بسیاری از توافقات سرمایه‌گذاری به‌عنوان یکی از مبانی اصلی ملی کردن و تنظیم‌گری دولتی مورد توجه قرار گرفته است (فیروزی مندمی، ۱۳۹۵: ۲۳۵؛ حمیدیان و رضایی، ۱۴۰۰: ۲۴۰).

معاهدات سرمایه‌گذاری توافقی‌نامه‌هایی هستند که بین دو یا چند کشور منعقد شده و چارچوب‌های قانونی برای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کنند. این معاهدات شامل اصولی مانند رفتار منصفانه و عادلانه، حمایت کامل و امنیت و ممنوعیت تبعیض هستند (Dolzer & Schreuer, 2012: 13-15). این اصول به‌منظور ایجاد محیطی امن و پایدار برای سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته شده‌اند (UNCTAD, 1998: 3). معاهدات سرمایه‌گذاری همچنین ابزارهایی برای حل و فصل اختلافات میان سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان ارائه می‌دهند که به‌طور معمول از طریق سازوکارهایی مانند داوری در مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه‌گذاری^۱ صورت می‌گیرد. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند که این معاهدات به یکی از ستون‌های اصلی حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی تبدیل شوند (Dolzer & Schreuer, 2012: 119-120). نخستین معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۵۹ میان آلمان و پاکستان منعقد شد. این معاهده به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی شناخته می‌شود، زیرا چارچوبی قانونی برای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کرد (Dolzer & Schreuer, 2012: 22). در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، کشورهای توسعه‌یافته به‌منظور حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی خود در کشورهای درحال توسعه، معاهدات سرمایه‌گذاری بیشتری منعقد کردند. در این دوره، تعداد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به بیش از ۳۰۰ رسید (UNCTAD, 1998: 5).

1. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

با آغاز دهه ۱۹۸۰ و روند جهانی شدن، معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری به ابزاری کلیدی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۱ تبدیل شدند. تا پایان دهه ۱۹۹۰، بیش از ۱۷۰۰ معاهده دوجانبه سرمایه گذاری در سطح جهان منعقد شده بود (UNCTAD, 2000: 7). این دوره شاهد تسلط کامل منافع سرمایه گذاران خارجی بر معاهدات سرمایه گذاری بود، به گونه ای که حقوق بشر و منافع عمومی کمتر مورد توجه قرار می گرفتند. از اوایل دهه ۲۰۰۰، با افزایش آگاهی نسبت به مسائل حقوق بشری و زیست محیطی، نسل جدیدی از معاهدات سرمایه گذاری ظهور کردند. این معاهدات علاوه بر حمایت از سرمایه گذاران، بر حقوق بشر، توسعه پایدار و منافع عمومی نیز تأکید دارند. برای مثال، معاهده جامع اقتصادی و تجاری میان کانادا و اتحادیه اروپا^۲ که بر حق تنظیم گری دولت ها تأکید کرده و حفاظت از منافع عمومی را تضمین می کند (CETA, 2017, Article 8.9).

۲. جایگاه حقوق بشر در حقوق بین الملل و مسئولیت دولت ها

در هندسه حقوق بین الملل، حقوق بشر جایگاهی ممتاز دارد و در کنار دیگر شاخه های حقوق بین الملل، مانند حقوق بشردوستانه و حقوق تجارت بین الملل، به عنوان یکی از شاخه های اصلی شناخته می شود. حقوق بشر از نظر هنجاری، با مفاهیمی مانند جهان شمولی، غیرقابل تفکیک بودن و عدم تبعیض تقویت شده است. این اصول نشان دهنده تعهدات فراگیر دولت ها به رعایت و تضمین حقوق بشری برای همه افراد هستند (Shelton, 2015: 34).

دولت ها موظف هستند نه تنها به پاسداری از حقوق بشر بپردازند، بلکه از نقض این حقوق توسط نهادهای دولتی یا غیردولتی نیز جلوگیری کنند. این تعهدات در سه بخش اصلی دسته بندی می شوند. نخست، تعهد به احترام^۳ که دولت ها را ملزم می کند از هرگونه نقض مستقیم حقوق بشر خودداری کنند؛ دوم، تعهد به حمایت^۴ که بر عهده دولت ها قرار می دهد تا از نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث جلوگیری کنند؛ سوم،

1. FDI

2. CETA

3. Obligation to Respect

4. Obligation to Protect

تعهد به تحقق^۱ که دولت‌ها را ملزم می‌کند شرایطی را فراهم آورند که افراد بتوانند به‌طور کامل از حقوق بشری خود بهره‌مند شوند (Eide, 1987: 24).

به‌علاوه، عدم رعایت حقوق بشر می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را به همراه داشته باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل^۲ در پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال خلاف حقوق بین‌الملل، نقض تعهدات بین‌المللی را که شامل تعهدات حقوق بشری دولت‌ها نیز می‌شود، یکی از موارد ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌داند. بر اساس ماده ۲ این پیش‌نویس، هر عمل بین‌المللی دولت که ناقض تعهدات بین‌المللی آن باشد و به دولت قابل انتساب باشد، می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی شود (ILC Draft Articles on State Responsibility, 2001, Article 2). بنابراین حقوق بشر در جغرافیای مباحث حقوق بین‌الملل به یکی از ارکان اصلی تبدیل شده است. تعهدات دولت‌ها در این حوزه نه‌تنها بیانگر اهمیت حفاظت از کرامت انسانی است، بلکه مسئولیت آن‌ها را در قبال رعایت، حمایت و تحقق حقوق بشری مشخص می‌کند. این جایگاه برجسته، حقوق بشر را به یکی از شاخص‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل معاصر تبدیل کرده است.

۳. ملاحظات حقوق بشری در معاهدات بین‌المللی: چارچوب‌های نوین

همان‌گونه که در بخش قبل مورد اشاره قرار گرفت در دهه‌های اخیر، شاهد تحولاتی عمده در معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بوده‌ایم که تلاش دارند تا تعادلی میان تعهدات حقوق بشری و حقوق سرمایه‌گذاران خارجی برقرار کنند. این تحولات به ویژه در پاسخ به انتقادات گسترده‌ای است که سیستم حفاظت از سرمایه‌گذاران بین‌المللی به دلیل نادیده گرفتن حقوق بشری مطرح کرده‌اند. به‌طور سنتی، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه^۳ به شکلی طراحی شده بودند که بیشتر به حمایت از منافع سرمایه‌گذاران پرداخته و کمتر به تعهدات حقوق بشری دولت‌ها توجه داشتند. اما این رویه به تدریج تغییر کرده و در معاهدات اخیر، ملاحظات حقوق بشری به شکل معناداری وارد شده است.

1. Obligation to Fulfill

2. International Law Commission (ILC).

3. Bilateral Investment Treaties (BITs).

۳-۱. پیشرفت‌های حقوق بشری در معاهدات جدید

معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی در دهه‌های اخیر به دلیل تمرکز بیش از حد بر حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و نادیده گرفتن تعهدات حقوق بشری و منافع عمومی، مورد انتقاد گسترده قرار گرفته‌اند. این انتقادات باعث شده‌اند تا نسل جدیدی از معاهدات به وجود آید که تلاش می‌کنند تعادلی میان حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و حفاظت از منافع عمومی برقرار کنند. در این معاهدات، مفاد خاصی گنجانده شده است که حق دولت‌ها برای تنظیم‌گری^۱ در راستای تحقق اهداف عمومی مشروع تضمین می‌کند و به دولت‌ها اجازه می‌دهد که سیاست‌هایی را به نفع بهداشت عمومی، محیط‌زیست و سایر منافع عمومی اتخاذ کنند (Simma, 2011: 576).

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این تحول، معاهده جامع اقتصادی و تجاری میان کانادا و اتحادیه اروپا^۲ است که به صراحت به حق دولت‌ها برای تنظیم‌گری در راستای منافع عمومی پرداخته است. در این معاهده، ماده ۸/۹ تأکید می‌کند که «طرفین حق تنظیم‌گری در داخل قلمروهای خود برای دستیابی به اهداف سیاست عمومی مشروع، از جمله حفاظت از بهداشت عمومی، ایمنی، محیط‌زیست، اخلاق عمومی، حمایت از مصرف‌کننده و ارتقاء و حفاظت از تنوع فرهنگی»^۳ را تأیید می‌کنند. این ماده، به‌ویژه برای دولت‌ها شرایطی فراهم می‌آورد که بدون نگرانی از نقض حقوق سرمایه‌گذاران، اقداماتی در جهت منافع عمومی انجام دهند و این حق را به صورت صریح در معاهده به رسمیت بشناسند (CETA, Article 8.9). علاوه بر CETA، مدل جدید معاهدات سرمایه‌گذاری هلند (۲۰۱۹) نیز رویکرد مشابهی را در پیش گرفته است. این مدل در ماده ۲/۲ تصریح می‌کند که «هر یک از طرف‌های قرارداد حق خود را برای تنظیم‌گری در قلمرو خود برای دستیابی به اهداف سیاست عمومی مشروع، از جمله حفاظت از بهداشت عمومی، ایمنی، محیط‌زیست، اخلاق عمومی، حمایت اجتماعی یا مصرف‌کننده و ارتقاء و حفاظت از تنوع

1. Right to regulate

2. CETA

3. Article 8.9 of CETA: "The Parties reaffirm their right to regulate within their territories to achieve legitimate policy objectives, such as the protection of public health, safety, environment, public morals, social or consumer protection, and the promotion and protection of cultural diversity"

فرهنگی»^۱ محفوظ می‌دارد. این مفاد به وضوح بر اهمیت حق تنظیم‌گری دولت‌ها تأکید کرده و صراحتاً اجازه می‌دهد که منافع عمومی اولویت داشته باشند (Kube & Petersmann, 2018: 67).

یکی دیگر از نمونه‌های برجسته معاهدات اتحادیه اروپا که حق تنظیم‌گری را تقویت می‌کند، معاهده سرمایه‌گذاری میان اتحادیه اروپا و ویتنام است. در این معاهده، ماده ۲/۲/۱ به صراحت به حق دولت‌ها برای تنظیم‌گری به منظور حفاظت از اهداف عمومی مشروع، از جمله بهداشت عمومی و محیط‌زیست، اشاره دارد. این ماده تصریح می‌کند که «دولت‌ها حق دارند در راستای حفاظت از بهداشت عمومی، محیط‌زیست و سایر منافع عمومی، اقدامات تنظیمی مناسب را اتخاذ کنند و این اقدامات نمی‌تواند به عنوان نقض تعهدات سرمایه‌گذاری تلقی شود.»^۲ این مفاد به دولت‌ها اجازه می‌دهد که اولویت را به منافع عمومی بدهند، بدون نگرانی از ادعاهای سرمایه‌گذاران خارجی در جهت اقامه دعوی علیه کشور میزبان (Al Mulla, 2022: 190).

این تحولات نشان‌دهنده تغییر رویکرد از تمرکز انحصاری بر حمایت از سرمایه‌گذاران به سوی توجه بیشتر به ملاحظات حقوق بشری و حق تنظیم‌گری دولت‌ها است. این تغییرات به دولت‌ها فضای بیشتری می‌دهد تا بدون نگرانی از شکایت‌های سرمایه‌گذاران، سیاست‌هایی را در جهت منافع عمومی و رعایت حقوق بشر به اجرا بگذارند. در نتیجه، این معاهدات به نظام حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری امکان می‌دهند که به طور همگام با حقوق بشر و توسعه پایدار حرکت کند. عباراتی که در مقدمه معاهدات آورده می‌شوند، بیانگر اهداف و مقاصد آن‌ها هستند، اما جنبه ماهوی ندارند و هیچ‌گونه حق یا تعهدی برای کشورهای متعاقد یا سرمایه‌گذاران ایجاد نمی‌کنند. طبق قواعد تفسیر معاهدات که در کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات تدوین شده است، این عبارات تنها به عنوان راهنمایی برای درک بهتر اهداف و مقاصد معاهده به کار می‌روند^۳

1. Article 2.2 of Netherlands Model Investment Agreement (2019): "Each Contracting Party retains the right to regulate within its territory to achieve legitimate policy objectives, such as the protection of public health, safety, the environment, public morals, social or consumer protection, and the promotion and protection of cultural diversity."

2. Article 2.2.1 of EU-Vietnam Investment Protection Agreement (2019): "The Parties reaffirm their right to regulate within their territories to achieve legitimate policy objectives, such as the protection of public health, safety, environment or public morals, social or consumer protection, or promotion and protection of cultural diversity"

3. Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969, article 31 (27 January 1980)

(VCLT, Art 31). یکی از راه‌های افزودن حمایت از حقوق بشر به توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، اشاره به نگرانی‌های حقوق بشری در مقدمه این توافق‌نامه‌ها است.

از بارزترین مثال‌های موجود مقدمه مدل معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایالات متحده (US Model BIT) است که به‌طور صریح به حفاظت و ترویج حقوق کار که به‌صورت بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، اشاره دارد.^۱ همچنین، مدل معاهده سرمایه‌گذاری نروژ (Norway Model BIT) به تعهدات طرف‌های معاهد بر اساس منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته و بر پایبندی آن‌ها به دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند.^۲ بدون شک، عبارات ذکر شده در مقدمه معاهدات، ارزش‌ها و اهداف کلی سیاستی آن‌ها را بیان می‌کنند و حق یا تعهد خاصی ایجاد نمی‌کنند. بااین حال، از آنجا که مراجع داوری سرمایه‌گذاری استانداردهای رفتاری را با توجه به اهداف و مقاصد معاهدات تفسیر می‌کنند، درج عباراتی درباره حفاظت از حقوق بشر یا مشابه آن در مقدمه معاهدات سرمایه‌گذاری می‌تواند تضمین کند که مفاد مبهم معاهده در راستای اهداف حقوق بشری تفسیر شوند (Choudhury, 2017: 425-467).

۳-۲. مورد کاوی‌های تطبیقی پرونده‌های اتحادیه اروپا

با توجه به اهمیت روزافزون حقوق بشر در سطح جهانی، بسیاری از کشورهای پیشرو تلاش کرده‌اند تا در معاهدات سرمایه‌گذاری خود ملاحظات حقوق بشری را به‌عنوان اصول بنیادین لحاظ کنند. اتحادیه اروپا، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نهادهای پیشرو در این زمینه، از سال‌های اخیر شروع به طراحی مدل‌هایی از معاهدات کرده است که در آن‌ها توجه ویژه‌ای به حقوق بشر و حق تنظیم‌گری دولتی برای حفاظت از منافع عمومی شده است. این روند، پاسخی به نگرانی‌ها درباره محدودیت‌های اعمال شده بر دولت‌ها برای حفظ حقوق بشر در چارچوب معاهدات سنتی سرمایه‌گذاری است (Falahi, 2021: 38).

یکی از نمونه‌های بارز این تغییر، توافق جامع و پیشرفته میان اتحادیه اروپا و ارمنستان (CEPA) است. این معاهده که در سال ۲۰۱۷ به امضا رسید، بر ضرورت حفظ حقوق بشر و دموکراسی تأکید دارد و مفاد

1. Treaty between the Government of the United States of America and the Government of [Country] concerning the Encouragement and Reciprocal Protection of Investment 2012.

2. Agreement between the Kingdom of Norway and [...] for the Promotion and Protection of Investments 2015.

خاصی را برای حمایت از استانداردهای حقوق بشری در بر دارد. ماده ۲ این معاهده تأکید می‌کند که رعایت حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون به عنوان اصول اساسی معاهده در نظر گرفته می‌شوند. این ماده به اتحادیه اروپا و ارمنستان اجازه می‌دهد که هرگونه اقدام لازم برای اجرای سیاست‌های حقوق بشری و رعایت تعهدات بین‌المللی خود را اتخاذ کنند، بدون آنکه در چارچوب تعهدات سرمایه‌گذاری با محدودیت مواجه شوند^۱ (Steininger, 2020: 17).

پرونده (Philip Morris v. Uruguay) نمونه‌ای برجسته از تأکید بر حق تنظیم‌گری دولت‌ها برای حفاظت از منافع عمومی است. در این پرونده، دولت اروگوئه توانست از سیاست‌های خود در حوزه بهداشت عمومی دفاع کند و نشان دهد که این اقدامات در چارچوب تعهدات بین‌المللی این کشور بوده و نقض حقوق سرمایه‌گذاران خارجی محسوب نمی‌شود.^۲

این پرونده که در مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری^۳ مطرح شد، مربوط به اقدامات دولت اروگوئه برای کاهش مصرف دخانیات بود. فیلیپ موریس،^۴ یک شرکت بین‌المللی تولید دخانیات ادعا کرد که قوانین سخت‌گیرانه اروگوئه در زمینه بسته‌بندی محصولات دخانیات، به‌ویژه قانون «بسته‌بندی ساده»^۵ نقض تعهدات این کشور تحت موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری دوجانبه با سوئیس است. اروگوئه از حق خود برای حفاظت از سلامت عمومی دفاع کرد و استدلال نمود که اقدامات آن برای کاهش مصرف دخانیات، بخشی از تعهدات این کشور در راستای منافع عمومی است. در مقابل فیلیپ موریس مدعی بود که اقدامات دولت منجر به نقض حقوق سرمایه‌گذاری این شرکت، از جمله اصول رفتار منصفانه و عادلانه (FET) و مصادره غیرقانونی، شده است. دادگاه ICSID در سال ۲۰۱۶ به نفع دولت اروگوئه رأی داد و تأکید

1. Article 2.1 of EU-Armenia CEPA: "Respect for the democratic principles, the rule of law, human rights and fundamental freedoms, as enshrined in particular in the UN Charter, the OSCE Helsinki Final Act and the Charter of Paris for a New Europe of 1990, as well as other relevant human rights instruments such as the UN Universal Declaration on Human Rights and the European Convention on Human Rights, shall form the basis of the domestic and external policies of the Parties and constitute an essential element of this Agreement."

2. Philip Morris Brands Sàrl, Philip Morris Products S.A. and Abal Hermanos S.A. v. Oriental Republic of Uruguay, ICSID Case No. ARB/10/7, Award, 2016.

3. ICSID

4. Philip Morris

5. Plain Packaging

کرد که اقدامات این کشور برای حفاظت از سلامت عمومی مشروع بوده و در چارچوب حق تنظیم‌گری دولت‌ها قرار می‌گیرد (ICSID Case No. ARB/10/7, Award, 2016). این رأی نشان‌دهنده تعهد مراجع بین‌المللی به حفظ توازن میان حقوق سرمایه‌گذاران و منافع عمومی است.

پرونده Occidental Petroleum v. Ecuador یکی دیگر از نمونه‌های برجسته در تعارض میان حقوق سرمایه‌گذاران و حق تنظیم‌گری دولت‌ها است که در مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID) رسیدگی شد.^۱ موضوع این اختلاف، لغو قرارداد بهره‌برداری نفتی میان دولت اکوادور و شرکت Occidental بود. دولت اکوادور استدلال کرد که این شرکت بدون تأیید قبلی دولت، بخشی از حقوق خود را به یک شرکت ثالث منتقل کرده و در نتیجه شرایط قرارداد را نقض کرده است. به همین دلیل، دولت قرارداد را لغو کرد و تأسیسات نفتی را مصادره نمود (ICSID Case No. ARB/06/11, Award, 2012). در این پرونده، دولت اکوادور به حق خود برای مدیریت و نظارت بر منابع طبیعی کشور اشاره کرد و استدلال نمود که لغو قرارداد اقدامی مشروع در راستای حفاظت از منافع عمومی است. بااین‌حال، شرکت Occidental مدعی شد که این اقدام نه تنها نقض اصول رفتار منصفانه و عادلانه (FET) است، بلکه به نوعی مصادره غیرقانونی محسوب می‌شود.

دادگاه ICSID در رأی نهایی خود، اقدام دولت اکوادور را غیرمتناسب تشخیص داد و بیان کرد که لغو قرارداد، هرچند در راستای حق تنظیم‌گری دولت انجام شده، به شکلی اجرا شده که موجب نقض تعهدات بین‌المللی این کشور شده است. در نتیجه، دادگاه حکم به پرداخت خسارتی معادل ۱/۷۷ میلیارد دلار به نفع شرکت Occidental صادر کرد. این پرونده نشان‌دهنده اهمیت طراحی دقیق معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی برای ایجاد تعادل میان حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران و تضمین حق تنظیم‌گری دولت‌ها در راستای منافع عمومی است.

در دادگاه‌های حقوق بشری نیز پرونده‌هایی وجود دارند که به نحوی به تعارض میان سرمایه‌گذاری خارجی، حق تنظیم‌گری دولت‌ها و حقوق بشر پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در این زمینه پرونده Urbaser v. Argentina است که اگرچه در قالب دآوری سرمایه‌گذاری مطرح شد، اما به‌طور خاص به

1. Occidental Petroleum Corporation and Occidental Exploration and Production Company v. The Republic of Ecuador, ICSID Case No. ARB/06/11, Award, 2012.

موضوع تعهدات حقوق بشری شرکت‌های سرمایه‌گذار نیز پرداخت. با این حال، در دادگاه‌های حقوق بشری نظیر دادگاه حقوق بشر اروپا^۱ (ECHR) نیز می‌توان مواردی یافت که ارتباط میان سرمایه‌گذاری و حقوق بشر را بررسی کرده‌اند. یکی از نمونه‌های مرتبط، پرونده^۲ Yukos v. Russia در دادگاه اروپایی حقوق بشر است.

پرونده Yukos v. Russia که در دادگاه حقوق بشر اروپا (ECHR) مطرح شد، نمونه‌ای بارز از تعارض میان حق مالکیت و اقدامات دولتی در راستای منافع عمومی است. این پرونده به شکایت شرکت نفتی Yukos علیه دولت روسیه بازمی‌گردد. شرکت Yukos ادعا کرد که دولت روسیه از طریق اعمال مالیات‌های سنگین و انحلال غیرقانونی شرکت، حقوق آن را تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض کرده است. تمرکز اصلی شکایت Yukos بر نقض ماده ۱ پروتکل شماره ۱ (حفاظت از حق مالکیت)^۳ و ماده ۶ (حق دسترسی به دادرسی عادلانه) این کنوانسیون بود (Yukos v. Russia, ECHR, 2011).

دادگاه حقوق بشر اروپا در رأی خود در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که دولت روسیه با اعمال فشار مالیاتی و رویه‌های ناعادلانه، حقوق مالکیت Yukos و حق دادرسی عادلانه این شرکت را نقض کرده است. دادگاه استدلال کرد که اقدامات دولت روسیه، فراتر از چارچوب‌های قانونی بوده و به جای حفظ منافع عمومی، با انگیزه‌های سیاسی انجام شده است. در نتیجه، دادگاه دولت روسیه را به پرداخت بیش از ۱/۸ میلیارد یورو خسارت به سهامداران Yukos محکوم کرد (Yukos v. Russia, ECHR, Award, 2011). این پرونده نشان‌دهنده اهمیت رعایت اصول دادرسی عادلانه و حفاظت از حقوق مالکیت در چارچوب حقوق بشر است. همچنین، رأی دادگاه حقوق بشر اروپا تأکیدی بر این واقعیت است که حتی در شرایطی که دولت‌ها اقدامات گسترده‌ای در راستای منافع عمومی انجام می‌دهند، باید حقوق بنیادین افراد و شرکت‌ها را رعایت کنند تا مشروعیت اقدامات آن‌ها زیر سؤال نرود.

1. European Court of Human Rights.

2. OAO Neftyanaya Kompaniya Yukos v. Russia, App No. 14902/04, Eur. Ct. H.R. (2011).

3. Article 1 of Protocol No. 1 (Protection of Property): Every natural or legal person is entitled to the peaceful enjoyment of his possessions. No one shall be deprived of his possessions except in the public interest and subject to the conditions provided for by law and by the general principles of international law. The preceding provisions shall not, however, in any way impair the right of a State to enforce such laws as it deems necessary to control the use of property in accordance with the general interest or to secure the payment of taxes or other contributions or penalties.

این موارد تأکید می‌کنند که طراحی دقیق معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و تضمین گنجاندن ملاحظات حقوق بشری و سازوکارهای شفاف برای توازن منافع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رعایت این ملاحظات نه تنها مشروعیت اقدامات دولتی را تقویت می‌کند، بلکه موجب کاهش تعارضات حقوقی و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود. در نهایت، پیشرفت در این زمینه می‌تواند به توسعه پایدارتر و منصفانه‌تری در سطح جهانی منجر شود (Falahi, 2021: 106-107).

۴. معاهدات سرمایه‌گذاری ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها

ایران در راستای سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری مختلفی با کشورهای گوناگون امضا کرده است. برخی از این معاهدات به‌طور خاص به ملاحظات حقوق بشری و حق تنظیم‌گری دولت‌ها پرداخته‌اند و به ایران اجازه می‌دهند که برای حفظ منافع عمومی، از جمله حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست، سیاست‌هایی را به کار گیرد.

به‌طور مثال در مقدمه معاهده سرمایه‌گذاری فی‌مابین ایران و لوکزامبورگ بدین ترتیب مقرر گشته: «جمهوری اسلامی ایران و دوک نشین اعظم لوکزامبورگ (که از این پس «طرف‌های متعاقد» نامیده می‌شوند)؛ ... با تلاش برای تضمین سازگار و تسهیل‌کننده بودن سرمایه‌گذاری برای حمایت از سلامت، ایمنی و محیط‌زیست و تشویق و حمایت از حقوق کار به رسمیت شناخته شده داخلی و بین‌المللی؛ ... با تصدیق اینکه مفاد این موافقت‌نامه حق طرف‌های متعاقد در وضع مقررات در درون قلمروهای خود و انعطاف آن‌ها در دستیابی به اهداف مشروع مربوط به سیاست‌ها را حفظ می‌کند؛ ... به شرح زیر توافق نمودند: ...»^۱ این معاهدات اغلب با هدف ایجاد یک بستر امن برای سرمایه‌گذاران خارجی تنظیم شده‌اند و اصولی مانند رفتار منصفانه و عادلانه،^۲ حمایت کامل و امنیت سرمایه‌گذاری^۳ و عدم تبعیض^۴ را شامل می‌شوند.

1. Iran-Luxembourg BIT 2017

2. fair and equitable treatment

3. full protection and security

4. non-discrimination

۴-۱. بررسی معاهدات سرمایه‌گذاری ایران: تحلیل معاهدات سرمایه‌گذاری ایران که به ملاحظات حقوق بشری پرداخته‌اند

اگرچه بسیاری از معاهدات سرمایه‌گذاری میان ایران و سایر کشورها به ملاحظات حقوق بشری توجه محدودی دارند، اما در تعدادی از آن‌ها به دولت ایران اجازه داده شده تا در راستای منافع عمومی اقدام کند. به‌طور مثال، در برخی از معاهدات ایران با کشورهای اروپایی مانند اسلواکی، این حق برای دولت ایران محفوظ است که سیاست‌های لازم را در حوزه بهداشت عمومی و حفاظت از محیط‌زیست اعمال کند، بدون آنکه این اقدامات به‌عنوان نقض تعهدات سرمایه‌گذاری تلقی شود.^۱ موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری میان ایران و چک، ایران و مجارستان، ایران و لوکزامبورگ دارای عباراتی مرتبط با حقوق بشر در مقدمه خود هستند. در این مقدمه‌ها، هدف و مقصود این توافق‌ها به‌طور متوازن بر حفاظت از سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین حفاظت از کار، محیط‌زیست و توسعه پایدار کشورهای متعاقد تأکید شده است. همچنین سیاست‌های حقوق بشری در بندهای اجرایی برخی از موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری نیز بازتاب یافته است. مفهوم قدرت‌های حاکمیتی^۲ در حقوق بین‌الملل عرفی، تحت عنوان حق تنظیم‌گری وارد این موافقت‌نامه‌ها شده است. بر اساس موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران که به حق تنظیم‌گری اشاره دارند، ایران می‌تواند از مسئولیت نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی که به دلیل مقررات مرتبط با منافع عمومی متضرر شده‌اند، اجتناب کند؛ مشروط بر اینکه اقدام مورد نظر به‌طور منطقی با یک هدف سیاستی مشروع مرتبط باشد.^۳

به‌طور مثال در مقدمه معاهده سرمایه‌گذاری فی‌مابین ایران و مجارستان به قرار ذیل مقرر شده: «دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان که از این پس «طرفهای متعاقد» نامیده می‌شوند، ... با تصدیق اینکه این اهداف باید به تدریجی به دست آیند که سازگار با ترغیب و حمایت از سلامت عمومی، محیط‌زیست، امنیت، ایمنی و توسعه پایدار همچنین ترویج حقوق کار به رسمیت شناخته شده بین‌المللی و اصول مسئولیت

1. Slovakia-Iran BIT, preamble.

2. Police Powers

3. The Iran-Czechia BIT, Iran-Hungary BIT, and Iran-Luxembourg BIT contain references to the right to regulate.

اجتماعی شرکت‌ها باشد، با شناسایی حقوق و تکالیف طرفهای متعاقد در قاعده‌مند نمودن سرمایه‌گذاری در درون قلمروهای خود به منظور دستیابی به اهداف سیاست‌های قانونی... به شرح زیر توافق نمودند: «...»^۱ از آنجا که مراجع داوری معاهدات سرمایه‌گذاری را بر اساس قواعد تفسیر کنوانسیون وین^۲ بررسی می‌کنند، اگر در مقدمه یک معاهده سرمایه‌گذاری به اهداف حقوق بشری اشاره شده باشد، احتمال دارد که داوران بندهای اجرایی معاهده را با توجه به این اهداف و مقاصد تفسیر کنند؛ اما اگر چنین اهدافی در مقدمه وجود نداشته باشد، همان‌طور که در بسیاری از موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران^۳ دیده می‌شود، مقدمه صرفاً زمینه‌ای برای تفسیر محدود از نیت طرف‌های متعاقد فراهم می‌کند و نمی‌تواند داوران را متقاعد کند که اهداف سیاستی یا منافع عمومی دولت ایران را در نظر بگیرند.

این نمونه‌ها نشان‌دهنده گام‌هایی است که ایران به‌طور محدود و در برخی از معاهدات برداشته تا به حقوق بشری توجه داشته باشد، هرچند که عمده معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران همچنان تمرکز اصلی را بر حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی قرار داده و کمتر به تعهدات حقوق بشری و منافع عمومی پرداخته‌اند.

۲-۴. چالش‌های معاهدات فاقد ملاحظات حقوق بشری ایران

با وجود اهمیت روزافزون ملاحظات حقوق بشری در نظام حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، اغلب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران فاقد مفاد صریحی در این زمینه هستند. این خلأ نه تنها ظرفیت دفاعی دولت ایران در برابر دعاوی سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کند، بلکه موجب ایجاد محدودیت‌های حقوقی و عملی برای اعمال سیاست‌های عمومی در حوزه‌هایی نظیر بهداشت، محیط‌زیست و حقوق کار می‌شود. در ادامه، مهم‌ترین چالش‌های ناشی از فقدان ملاحظات حقوق بشری در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران به‌صورت تفصیلی بررسی می‌گردد.

۱. مقدمه معاهده سرمایه‌گذاری ایران-مجارستان، لینک دسترسی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1348795>

۲. VCLT

۳. BITs

۴-۲-۱. فقدان مفاد صریح درباره حقوق بشر و حق تنظیم‌گری

اکثر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران فاقد مفاد صریحی در زمینه حقوق بشر و حق دولت‌ها برای تنظیم‌گری هستند. این فقدان موجب شده است که ایران در صورت بروز تعارض میان سیاست‌های عمومی و تعهدات سرمایه‌گذاری خود، نتواند به چارچوب‌های حقوقی الزام‌آوری برای دفاع از اقدامات خود استناد کند. به‌ویژه در مواقعی که اقدامات مربوط به محیط‌زیست، سلامت عمومی یا حقوق کارگران مورد مناقشه قرار می‌گیرد، نبود چنین مفادی می‌تواند دولت را در برابر داوری‌های بین‌المللی آسیب‌پذیر کند (Falahi, 2021: 62).

۴-۲-۲. محدودیت در استناد به اصل حق تنظیم‌گری

در غیاب مفاد مرتبط با «حق تنظیم‌گری»، ایران ناچار است برای دفاع از اقدامات خود به مفاهیم کلی‌تر حاکمیت ملی یا حقوق عرفی بین‌المللی استناد کند. این در حالی است که رویه داوری بین‌المللی عمدتاً بر تفسیر مضیق مفاد معاهدات تمرکز دارد و اصول عام حقوق بین‌الملل را تنها در صورت سکوت صریح معاهده مدنظر قرار می‌دهد (Dupuy, Petersmann & Francioni, 2009: 336-337).

۴-۲-۳. افزایش احتمال بروز «خنثی‌سازی تنظیم‌گری»^۱

عدم وجود ملاحظات حقوق بشری در متن معاهدات باعث می‌شود دولت‌ها برای پرهیز از ایجاد زمینه برای شکایت‌های احتمالی سرمایه‌گذاران، از تصویب یا اجرای قوانین در راستای منافع عمومی صرف‌نظر کنند. این پدیده که به «خنثی‌سازی تنظیم‌گری» معروف است، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران می‌تواند منجر به عقب‌نشینی از تعهدات حقوق بشری شود (G. Alvarez & W. Park, 2003: 390).

۴-۲-۴. فقدان قابلیت اقناع داوران برای پذیرش منافع عمومی

در غیاب مفاد مشخص در معاهده، داوران داوری بین‌المللی عموماً به مضامین دقیق متن معاهده استناد می‌کنند و حاضر به پذیرش اهداف کلان سیاسی، اجتماعی یا زیست‌محیطی دولت‌ها نیستند، مگر اینکه چنین اهدافی در متن معاهده یا مقدمه آن به صراحت ذکر شده باشد. این موضوع باعث می‌شود که ایران در

^۱ . Regulatory Chill

عمل نتواند از ابزارهای حقوقی لازم برای اقناع داوران برخوردار باشد (Dupuy et al, 2009: 336); (UNCTAD, 2020: 112).

نتیجه‌گیری

رعایت حق‌های بشری به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق بین‌الملل و حقوق عمومی، در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات محوری در معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی تبدیل شده است. این تغییر رویکرد نشان‌دهنده تلاش کشورها برای ایجاد تعادل میان حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و رعایت تعهدات حقوق بشری و منافع عمومی است که در چارچوب حقوق عمومی، بر اصول کلیدی مانند حق تنظیم‌گری دولتی و حاکمیت عمومی تأکید دارد تا دولت‌ها بتوانند سیاست‌های خود را در راستای حفظ منافع جمعی و کرامت انسانی اجرا کنند.

همان‌گونه که ذکر شد، در دهه‌های اخیر، ضرورت ایجاد تعادل میان حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و تعهدات دولت‌ها در زمینه حقوق بشر و منافع عمومی، به یکی از دغدغه‌های اصلی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. این تحول، نتیجه افزایش فشارهای اجتماعی و بین‌المللی بر نظام داوری سرمایه‌گذاری برای توجه به ارزش‌های بنیادین انسانی، زیست‌محیطی و اجتماعی است که از منظر حقوق عمومی، مستلزم اعمال اصل تناسب و توازن میان حقوق خصوصی سرمایه‌گذاران و تعهدات عمومی دولت‌ها در حفظ حاکمیت و منافع عمومی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر معاهدات سرمایه‌گذاری ایران، نشان داد که بخش قابل توجهی از این معاهدات همچنان متأثر از رویکرد سنتی بوده و فاقد مکانیزم‌های مؤثر برای انعکاس ملاحظات حقوق بشری‌اند.

نبود مفاد صریح درباره حق تنظیم‌گری دولت‌ها، توسعه پایدار یا حفاظت از منافع عمومی، ایران را در معرض آسیب‌های حقوقی در دعاوی سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد و توان دولت برای اجرای سیاست‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را محدود می‌کند. این وضعیت نه تنها دولت را وادار به دفاع از اقداماتش بر اساس اصول کلی و تفاسیر موسع می‌کند، بلکه مشروعیت اقدامات حاکمیتی را در برابر داوران بین‌المللی تضعیف می‌سازد، درحالی‌که حقوق عمومی بر لزوم حفظ حاکمیت دولتی و اعمال اصل ضرورت در مواجهه با چنین تعارضاتی تأکید دارد.

یافته‌های مقاله تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری حقوقی ایران در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند بازنگری بنیادین است؛ به گونه‌ای که در کنار جذب سرمایه‌گذاری، ظرفیت‌های لازم برای صیانت از منافع عمومی و تعهدات حقوق بشری نیز فراهم شود. اصلاح معاهدات موجود، تدوین چارچوب‌های جدید هم‌راستا با تحولات بین‌المللی و تقویت جایگاه دولت در مقام تنظیم‌گر، گام‌هایی ضروری در جهت دستیابی به این تعادل محسوب می‌شود که این اصلاحات باید بر پایه اصول حقوق عمومی مانند توازن منافع و تعهدات عمومی دولت‌ها استوار باشد. تنها در سایه چنین اصلاحاتی است که می‌توان به سوی یک نظم سرمایه‌گذاری پایدار، منصفانه و در عین حال مسئولانه گام برداشت. درنهایت، ایران باید در تدوین سیاست‌های خود در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، میان اهداف توسعه اقتصادی و رعایت تعهدات حقوق بشری تعادل برقرار کند. این رویکرد نه تنها باعث تقویت جایگاه ایران در نظام داوری بین‌المللی خواهد شد، بلکه به ایجاد یک محیط سرمایه‌گذاری پایدار و عادلانه کمک می‌کند که در آن حقوق سرمایه‌گذاران خارجی و منافع عمومی به طور هم‌زمان محترم شمرده می‌شوند و این تعادل از دیدگاه حقوق عمومی، تضمین‌کننده حاکمیت دولتی و حفاظت از حقوق عامه خواهد بود.

منابع

- افشاری، فاطمه و پتفت، آرین (۱۴۰۰). «موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن».
- فصلنامه دانش حقوق عمومی**، دوره ۱۰، شماره ۳۳.
- بهزادی پارسى، آرش و سیفی، جمال (۱۳۹۸). «رابطه میان حقوق سرمایه‌گذار خارجی و تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و محیط‌زیست». **مجله حقوقی بین‌المللی**، دوره ۳۶، شماره ۶۱.
- حمیدیان، حمید و رضایی، علی (۱۴۰۰). «تحلیل و بررسی رویکرد نوین حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی نسبت به منافع عمومی دولت میزبان». **پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۲۳، شماره ۷۲.
- دیرنیا، علیرضا؛ مؤمن، مهرداد (۱۴۰۳). «منافع، مصالح و منابع عمومی از دریچه حقوق عمومی اقتصادی تطبیقی».
- حقوق عمومی تطبیقی**، دوره ۱، شماره ۴.
- رئیسى، لیلا و طهماسبی، مرضیه (۱۴۰۱). «چالش‌های پیش روی توسعه حقوق بشر در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری». **مطالعات حقوق تطبیقی معاصر**، دوره ۱۳، شماره ۲۹.
- سبحانی، محمدرضا؛ شهبازی، مهدی و جعفری، جلال (۲۰۱۹). «گستره حقوق بشر در رویه محاکم سرمایه‌گذاری بین‌المللی (مطالعه موردی مرکز داوری ایکسید)». **تحقیقات حقوقی بین‌المللی**، دوره ۱۲، شماره ۴۴.
- صادقی، سید حسین (۱۳۹۳). «تعارضات بین قوانین موضوعه ایران و حقوق بشر». **فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی**، دوره ۳، شماره ۵.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴). «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی». **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، دوره ۱، شماره ۱۶-۱۷.
- فیروزی‌مندمی، فراز (۲۰۱۶). «جایگاه تعهدات حقوق بین‌الملل بشر در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری».
- پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۱۸، شماره ۵۱.
- هیود، اندرو (۱۳۹۳). «مقدمه نظریه سیاسی». ترجمه: عبدالرحمن عالم، چاپ سوم، نشر قومس.

References

- Abdulrahman (Translated by: Alam, A.) (2014). Introduction to Political Theory (3rd ed). Tehran: Qoqnoos Publishing. (In Persian)
- Afshari, Fatemeh; Patfat, Arin (2021). "Obstacles to the revival of public rights in Iranian law and strategies for their optimal realization." *Journal of Public Law Knowledge*, Volume 10, Number 33. (In Persian)
- Al Mulla, J. (2022). The Role of Human Rights in Investment Arbitrations: Towards a Closer Integration. *Int'l Rev. L.*, 190.
- Alvarez, G., & Park, W. (2003). The New Face of Investment Arbitration: NAFTA Chapter 11. *Yale Journal of International Law*, 28(2), 365–390.
- Behzadi Parsi, Arash; Seifi, Jamal (2019). "The relationship between foreign investor rights and international human rights and environmental obligations." *International Law Review*, Volume 36, Number 61. (In Persian)
- Choudhury, B. (2017). Spinning straw into gold: Incorporating the business and human rights agenda into international investment agreements. *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 38(2), 425–467.
- Dabirnia, Alireza; Mo'men, Mehrad (2024). "Interests, considerations, and public resources through the lens of comparative public economic law." *Comparative Public Law*, Volume 1, Number 4. (In Persian)
- Dolzer, R., & Schreuer, C. (2012). *Principles of International Investment Law* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Dupuy:-M., Petersmann, E.-U., & Francioni, F. (2009). *Human Rights in International Investment Law and Arbitration*. Oxford University Press.
- Eide, A. (1987). The Right to Adequate Food as a Human Right. *Human Rights Study Series*, 1: 24.
- Falahi, E. (2021). Protection of Human Rights in the International Investment Regime: A Critical Survey with a view into the Iranian Foreign Investment Experience (Master's thesis, Queen's University (Canada).
- Falsafi, Hedayatollah (1995). "Development and promotion of human rights in the international community." *Journal of Legal Research*, Volume 1, Number 16-17. (In Persian)
- Firoozi Mandami, Faraz (2016). "The place of international human rights obligations in bilateral investment treaties." *Public Law Studies*, Volume 18, Number 51. (In Persian)
- Hamidian, Hamid; Rezaei, Ali (2021). "Analysis and evaluation of the modern approach of international investment law toward the public interest of the host state." *Public Law Studies*, Volume 23, Number 72. (In Persian)
- ILC Draft Articles on State Responsibility. (2001).
- Kube, V., & Petersmann, E. U. (2018). Human rights law in international investment arbitration. In *General principles of law and international investment arbitration* (pp. 221-268). Brill Nijhoff.

- Occidental Petroleum v. Ecuador, ICSID Case No. ARB/06/11, Award (2012).
- Raeisi, Leila; Tahmasebi, Marzieh (2022). "Challenges facing the development of human rights in international investment law." Contemporary Comparative Law Studies, Volume 13, Number 29. (In Persian)
- Sadeghi, Seyed Hossein (2014). "Conflicts between Iran's statutory laws and human rights." Scientific Journal of Islamic Awakening Studies, Volume 3, Number 5. (In Persian)
- Shelton, D. (2015). Advanced Introduction to International Human Rights Law. Edward Elgar Publishing: 34.
- Simma, B. (2011). Foreign investment arbitration: a place for human rights?. International & Comparative Law Quarterly, 60(3), 573-596.
- Sobhani, Mohammadreza; Shahbazi, Mehdi; Jafari, Jalal (2019). "The scope of human rights in the practice of international investment tribunals (Case study: ICSID Arbitration Center)." International Legal Research, Volume 12, Number 44. (In Persian)
- Steininger, S. (2020). The role of human rights in investment law and arbitration: state obligations, corporate responsibility, and community empowerment. Max Planck Institute for Comparative Public Law & International Law (MPIL) Research Paper, No. 2020-16.
- UNCTAD. (1998). Bilateral Investment Treaties in the Mid-1990s.
- UNCTAD. (2000). World Investment Report.
- UNCTAD. (2020). Investment Policy Framework for Sustainable Development. United Nations Publication.
- United Nations. (1948). Universal Declaration of Human Rights.
- United Nations. (1966). International Covenant on Civil and Political Rights; International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.